■ روزنامه فرهنگی - اجتماعی صبح ایران
■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران
■ مدیر مسئول: یوسف قوچانی غروی

جام جم

چهارشنبه ۱۹ فروردین ۱۴۰۵ | ۱۹ شوال ۱۴۴۷
۸ صفحه روزنامه
سال بیست‌وششم | شماره ۷۲۹۱
Wednesday | 8 April | 2026

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹ ■ تلفن: ۲۳۰۰۴۰۰۰-۰۲۱
■ دورنگار تحریریه: ۲۳۰۰۴۴۲۳ ■ سازمان توزیع: ۶۱۹۳۳۰۰۰ ■ کدپستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
■ امور مشترکین: ۱۱۴۶۱۹۳۳ ■ سازمان آگهی‌ها: ۴۹۱۰۵۰۰۰ ■ شماره پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰

تلفن گویا: ۲۳۰۰۴۴۴۴
چاپ: چاپخانه روزنامه جام جم
شاپا: ISSN۱۷۳۵-۳۶۳۷

■ پایگاه اطلاع‌رسانی روزنامه: www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

اوقات شرعی

اذان صبح: ۰۴:۲۳	طلوع: ۰۵:۴۸
اذان ظهر: ۱۲:۰۸	غروب: ۱۸:۲۷
اذان مغرب: ۱۸:۴۶	نیمه‌شب شرعی: ۲۳:۲۵

واحه

گر تو را خاطر ما نیست، خیالت بفرست
تا شبی محرم اسرار نهانم باشد
سعدی

حکمت

■ پیامبر اکرم (ص):
آن که ساعتی، خوارِی فراگرفتن علم را تحمّل نکند، برای همیشه در خواری نادانی خواهد ماند. / بحارالأنوار

رایحه ظهور

■ امام علی (علیه‌السلام):
کسی را که به تو امید دارد، ناامید نکن. / أعلام الدین

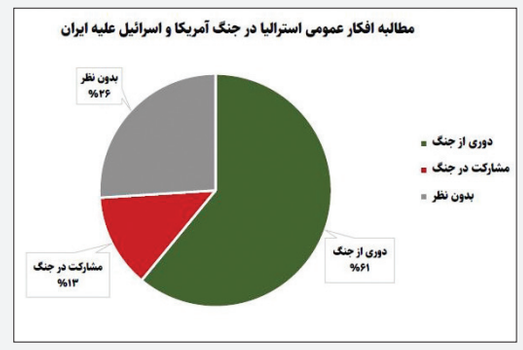
وصیت شهدا

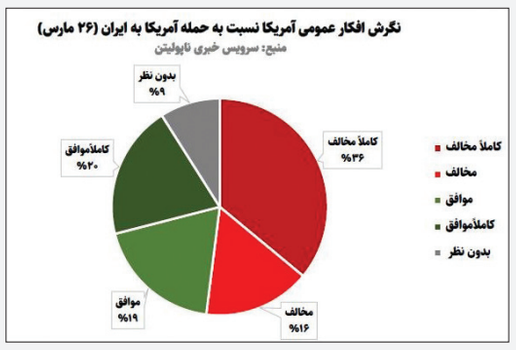
■ شهید علی اکبر تولد
انسانی که خدا را شناخت، عاشق او می‌شود، انسانی که عاشق شد، تمام پلیدی‌ها را از خود می‌راند. انسانی که خود، خدا یا اسلام را شناخت، همه کارهای صالح را یک وظیفه می‌داند.

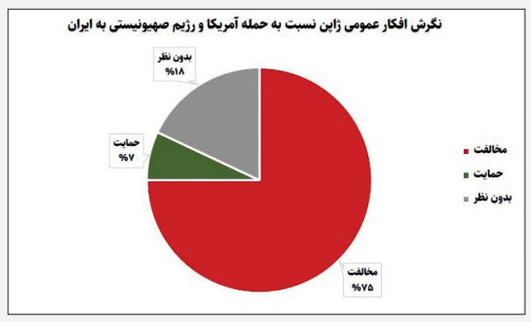


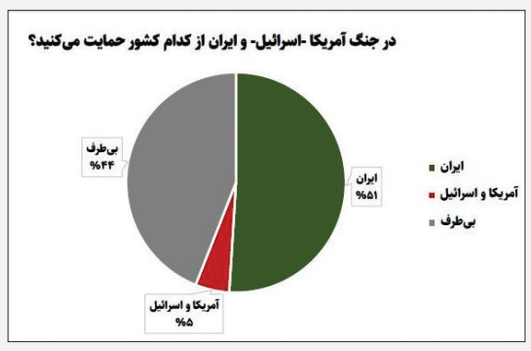
جهان علیه شیطان

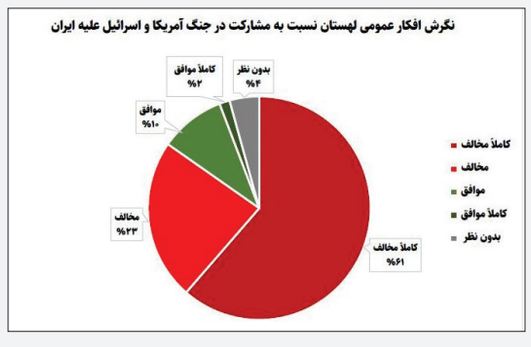
مخالفت افکار عمومی جهان با حمله آمریکا و رژیم صهیونی به ایران











الگوی غالب افکار عمومی جهان در قبال حمله آمریکا و رژیم‌صهیونیستی به ایران، عدم حمایت از جنگ، مهار بحران، پرهیز از مداخله و نگرانی از پیامدهای اقتصادی و امنیتی آن است. در آمریکا، با گذشت ۵ هفته از آغاز جنگ، مخالفت با حمله به سطحی نسبتاً پایدار رسیده و در اغلب سنجش‌ها از حمایت پیشی گرفته است. مهم‌ترین عامل این مخالفت، پیوند مستقیم جنگ با اختلال در بازار انرژی، افزایش قیمت بنزین و فشار معیشتی بر خانوارهاست. در این چارچوب، افکار عمومی آمریکا جنگ با ایران را نه یک اقدام محدود نظامی، بلکه منبعی برای بیثباتی اقتصادی و تشدید نااطمینانی داخلی میبینند، بنابراین تداوم یا گسترش جنگ، میتواند هزینه سیاسی تصمیم‌گیران آمریکایی را افزایش دهد. در سطح بین‌المللی، داده‌ها نشان میدهد که مخالفت با جنگ در اشکال متفاوت اما همسو بروز یافته است. در اندونزی، همدلی با ایران و محکومیت آغازگران جنگ برجسته است. در ژاپن، مخالفت گسترده با حمله، رنگ و بوی حقوقی و ضد جنگ دارد.

در استرالیا و لهستان، افکار عمومی بیش از هر چیز با ورود کشورشان به جنگ مخالفند و در ترکیه، ترجیح اصلی جامعه نه جانبداری نظامی بلکه بیطرفی فعال و میانجیگری است. این تفاوت‌ها نشان میدهد که اگرچه شدت حمایت از ایران در کشورها یکسان نیست اما برآیند کلان افکار عمومی جهان بر یک منطق مشترک استوار است: جنگ با ایران پرهزینه، بیثبات کننده و مغایر با منافع ملی و رفاه عمومی کشورها تلقی میشود. از این منظر، مخالفت جهانی بیش از آنکه ایدئولوژیک باشد، حاصل محاسبه‌های واقعی جنگ است.

خبر روز

کاسبی از جنگ؛ پسران ترامپ پهپاد می‌خرند!

گزارش بلومبرگ نشان می‌دهد که پسران دونالد ترامپ یعنی اریک و دونالد جونیور در پشت یک سرمایه‌گذاری ۷۵۰ میلیون دلاری در حوزه پهپادهای نظامی قرار دارند.

این سرمایه‌گذاری از طریق یک شرکت خصوصی انجام شده و هدف آن توسعه و عرضه پهپادهای پیشرفته برای کاربردهای نظامی و امنیتی است.

بر اساس گزارش، این پروژه شامل خرید شرکت‌های فعال در زمینه فناوری پهپاد و ادغام آن‌ها با زیرساخت‌های دفاعی موجود است. تحلیلگران می‌گویند سرمایه‌گذاری در این مقیاس، نه‌تنها نشانه رشد سریع بازار پهپادهای نظامی، بلکه تلاش خانواده ترامپ برای حضور گسترده در صنعت دفاعی آمریکا است.

این سرمایه‌گذاری هم‌زمان با افزایش استفاده از پهپادها در جنگ‌های مدرن، به‌ویژه در درگیری‌های اخیر در منطقه انجام می‌شود. پهپادها با قابلیت شناسایی دقیق، حمله هدفمند و کاهش ریسک برای نیروی انسانی، اکنون بخشی کلیدی از استراتژی‌های نظامی آمریکا و متحدانش هستند.

با این حال، منتقدان هشدار می‌دهند که دخالت اعضای خانواده رئیس‌جمهور در بازارهای دفاعی می‌تواند تضاد منافع ایجاد کند، به‌ویژه در شرایطی که دولت فدرال قراردادهای کلان نظامی اعطا می‌کند. آن‌ها تأکید می‌کنند که نظارت شفاف و رعایت قوانین اخلاقی در این نوع سرمایه‌گذاری‌ها ضروری است.

درمجموع، ورود پسران ترامپ به صنعت پهپادهای نظامی نشان‌دهنده تلاش خانواده وی برای تثبیت حضور خود در بخش دفاعی و فناوری پیشرفته است، در حالی که بازار پهپادها به سرعت در حال رشد و تبدیل شدن به یکی از مهم‌ترین حوزه‌های راهبردی نظامی جهان است.

فرهنگ



سعید مستغاثی
فعال فرهنگی

بهانه اربعین شهادت مظلومانه امام خامنه‌ای

سال‌ها عبای شهادت بر دوش کشیدند





«... مرا به پاسگاه پلیس... نزد افسر جوانی بردند. او با لحنی تند به سرزنش و توبیخ من پرداخت. با آرامش به او پاسخ دادم: تو کاری بیش از اعدام من نمی‌توانی انجام دهی... هر کاری می‌خواهی بکن، من آماده‌ام، زیرا وقتی از خانه بیرون آمدم، خود را برای مرگ آماده کردم...»

این جملات بخشی از خاطرات امام شهید حضرت آیت‌الله‌العظمی سید علی حسینی خامنه‌ای است درباره نخستین دستگیری ایشان در اولین محرم نهضت امام در سال ۱۳۴۲ که به امر امام خمینی به بیرجند رفته و به روشنگری و افشاگری پرداختند تا اینکه در روز تاسوعای آن محرم دستگیر شدند.

امام خامنه‌ای پس از روزهای پرشور و خون‌بار نیمه خرداد ۱۳۴۲ از زندان بیرجند به مشهد فرستاده شدند. خودشان توضیح داده‌اند:

«... روز پانزدهم محرم مرا تحت‌الحفظ به همراه ۳ مأمور پلیس به مشهد فرستادند... ماموران پلیس محافظ، حالت ترس و هراس داشتند. وقتی به مشهد رسیدیم، مرا به یکی از مرکز پلیس تحویل دادند که شب سختی را در آنجا گذراندم... صبح هم مرا به ساختمان ساواک تحویل دادند و از آنجا به زندان اردوگاه مشهد فرستادند...»

من خود را برای مرگ آماده کرده‌ام و از آن نمی‌ترسم!

امام خامنه‌ای پس از آزادی به زاهدان رفته و در آن دیار به انجام وظایف انقلابی اقدام ورزیدند. این در شرایطی بود که حضرت امام در حبس و حصر به سر میبردند و رژیم شاه به شدت در تعقیب یاران ایشان و طلاب انقلابی و مبارز بود. سلسله سخنرانی‌های آیت‌الله خامنه‌ای در ماه رمضان و در مسجد آقای کفعمی در زاهدان باعث شد تا در نیمه این ماه توسط رئیس پلیس شهر، احضار شوند. در آن احضار پس از آنکه با تهدید رئیس شهربانی مواجه گردیدند، همان جمله‌ای که در دستگیری اول خطاب به رئیس شهربانی بیرجند اظهار داشته بودند را تکرار کردند که «من خود را برای مرگ آماده کرده‌ام و از آن نمیترسم!»

همان شب ایشان را دستگیر کرده و صبح زود به مقر ساواک منتقل نمودند. پس از بازجویی‌های خشن و مکرر، عصر همان روز به فرودگاه برده و به همراه دو مأمور با هواپیما به تهران اعزام کردند. آیت‌الله خامنه‌ای درباره آن لحظات در هواپیما، فرموده‌اند:

«... در هواپیمایی که مرا به صورت تحت‌الحفظ به تهران میبرد، به مسائل مختلفی میاندیشیدم؛ به آینده این نهضت اسلامی که برپا شده... به برپاکننده نهضت، امام خمینی... به پدری که برای ادامه معالجه در تهران به من نیاز داشت و به علت ابتلا به آب مروارید بینایی‌اش را داشت از دست میداد،... به آینده‌ای که در انتظار من بود و...» امام خامنه‌ای را از جلوی پلکان هواپیما، سوار اتومبیل ساواک کرده و در یک شب سرد و برفی به زندان قزل قلعه بردند. آیت‌الله خامنه‌ای نقل کرده‌اند:

«... در قلعه که در آهنی بزرگ و مهیبی بود و با زنجیرهای آهنی بسته شده بود، باز شد. بعد از این در، در راهروی تنگی که در دو طرف آن، سلول‌ها در کنار هم قرار داشت، مرا وارد یکی از این سلول‌ها (به ابعاد دو در دو) کردند...»

امام خامنه‌ای روزهای سختی را در زندان قزل قلعه سپری نمودند اما پس از آزادی پرتوان‌تر و استوارتر در میدان مبارزه نهضت امام حضور یافته و نخستین اقدامشان، ملاقات حضرت امام در خانه‌ای بود در قیطریه که در آن در حصر به سر میبردند.

پس از یک سال تعقیب و گریز

آیت‌الله سید علی حسینی خامنه‌ای پس از تبعید حضرت امام، در تشکیلات انقلابی مدرسین حوزه علمیه قم حضور فعال داشتند، سلسله جلساتی برای تدریس معارف اسلامی مرتبط با نهضت اسلامی برای جوانان برگزار کردند، یک موسسه چاپ و نشر تأسیس نمودند که در آن علاوه بر انتشار برخی کتب اسلامی حاوی مضامین انقلابی به انتشار اولین کتاب خودشان یعنی ترجمه اثر معروف سید قطب به نام «آینده در قلمرو اسلام» پرداختند. کشف تشکیلات مدرسین انقلابی و دستگیری جمعی از روحانیون و علمای حوزه قم و همچنین چاپ کتاب «آینده در قلمرو اسلام» باعث شد تا از فروردین ۱۳۴۵، ساواک در تعقیب آقای خامنه‌ای باشد و ایشان هم با آگاهی به این موضوع، نهایت مخفی‌کاری را به عمل آورده تا از دسترس ساواک و مزدوران رژیم شاه دور بمانند. این تعقیب و گریز تا ۱۴ فروردین ۱۳۴۶ به طول انجامید تا اینکه در همین روز و پس از مراسم خاک‌سپاری حاج شیخ مجتبی قزوینی و در میانه راه منزل پدری، توسط ماموران ساواک محاصره شده و برای سومین بار دستگیر شدند. آیت‌الله خامنه‌ای بدون محاکمه و طی روال قانونی، مدت‌ها در سلول‌های انفرادی حبس شدند. در این دوران، ایام رنج‌آوری برایشان گذشت. به گونه‌ای که پس از مدت‌ها و ملاقات دوساله‌شان، پدر را نشناخت.

دفاعیات پرشور در دادگاه نظامی

امام خامنه‌ای در مهرماه ۱۳۴۹ برای چهارمین بار توسط ساواک دستگیر شدند. این بار ماموران ساواک به خانه پدری ایشان، هجوم برده و ایشان را دستگیر نمودند. پس از مدتی حبس در سلول و بازجویی‌های خشونت‌بار، کار به دادگاه نظامی کشیده شده ولی با دفاعیات مستدل و محکم سید علی خامنه‌ای ۳۱ ساله، حتی در دادگاه تجدیدنظر هم نتوانستند حکمی برایشان صادر کنند! هنوز از آزادی آیت‌الله خامنه‌ای مدت زیادی نگذشته بود که در ششم مهرماه ۱۳۵۰، برای پنجمین بار دستگیر شدند. بازهم ساواکی‌ها به منزل ریخته و آقا را با خودشان بردند. روزهای برگزاری جشن‌های منحوس شاهنشاهی بود و رژیم شاه از آزاد بودن مخالفین سازش‌ناپذیری همچون سید علی خامنه‌ای میهراسید. به‌ویژه آنکه ایشان در آن سال‌ها با برگزاری کلاس‌های متعدد و جلسات سخنرانی و... در تشریح آرمان‌ها و اهداف نهضت امام برای جوانان نقش عمده‌ای داشتند. بازهم سلول‌های انفرادی و این بار آیت‌الله خامنه‌ای تحت شکنجه‌های وحشیانه مزدوران ساواک قرار گرفتند. ایشان درباره آن شکنجه‌ها گفته‌اند:

«... احساس کردم در حال بی‌هوش شدنم و هم‌اکنون از این جهان به جهان دیگر میروم... نمیتوانم همه جزئیات شکنجه را بیان کنم، چون فراتر از آن است که در بیان بگنجد... دردآور و ناراحت‌کننده است...»

سخت‌ترین ایام در کمیته مشترک

ششمین دستگیری آیت‌الله خامنه‌ای در دی‌ماه ۱۳۵۳ و پس از سخنرانی‌های مسجد جاوید تهران و دستگیری دکتر مفتح و تعطیلی آن مسجد اتفاق افتاد. ایشان را به سلول‌های زندان مخوف کمیته مشترک ضد خرابکاری منتقل کردند و ماه‌های متمادی زیر شکنجه قرار دادند. امام خامنه‌ای این دوران را سخت‌ترین ایام زندان‌های خود بر شمرده‌اند.

هفتمین دستگیری آیت‌الله خامنه‌ای در دی‌ماه ۱۳۵۶ و بعد از برگزاری مراسم مختلف برای گرامیداشت آیت‌الله حاج سید مصطفی خمینی بود که باز مزدوران ساواک با مسلسل و اسلحه‌های مختلف شبانه به منزلشان هجوم برده و در مقابل مقاومتشان، امام خامنه‌ای زیر ضربات اسلحه‌ها و مشت و لگد قرار دادند. خودشان گفته‌اند:

«... شش نفری به من حمله کردند و با خشونت و قساوت مرا به باد کتک گرفتند. در آن هنگام مصطفی که دوازده سال داشت، بیدار شد و از پشت شیشه نازکی که میان من و آنها حائل بود، با حیرت و شگفتی به صحنه کتک خوردن پدر مینگریست و فریاد میزد. ساواکی‌ها بیرحمانه به کتک زدن من با مشت و لگد ادامه دادند و مخصوصاً با نوک کفش خود به ساق پای من میزدند...»

آقا را به مرکز ساواک مشهد بردند سپس به ایرانشهر تبعید کردند. فعالیت‌های انقلابی آیت‌الله خامنه‌ای در ایرانشهر و تبدیل آن دیار به کانون انقلاب، باعث شد تا ایشان را در شهریور ۱۳۵۷ به جیرفت به عنوان تبعیدگاه دوم ببرند. با اوج‌گیری نهضت امام و مبارزات مردم، سرانجام آیت‌الله خامنه‌ای، آخرین زندان و تبعیدگاهشان را نیز پشت سر گذارده و به طور علنی در خط مقدم مبارزه و در کنار یاران امام، پیشاپیش صفوف مردم مسلمان قرار گرفتند تا پیروزی انقلاب و عضویت در شورای انقلاب و امام جمعه تهران و نمایندگی مجلس شورای اسلامی و نماینده حضرت امام خمینی در شورای عالی دفاع و....

تقدیر الهی سرنوشت دیگری رقم زد

... و بالاخره ۶ تیرماه ۱۳۶۰ و سخنرانی در مسجد ابوذر تهران، به انفجار بمب توسط پس‌مانده‌های گروهک تروریستی فرقان و منافقین انجامید:

«... آن وقتی که بمب منفجر شد... سه مرتبه هوش آمدم... هر دفعه یک احساسی داشتم که آن حالات را من هیچ وقت یادم نمیرود.... در یکی از این حالات احساس کردم که من دارم میروم، یعنی دارم میمیرم. احساس کردم که مرگ در مقابل من است....»

وقتی آقا را به بیمارستان رساندند، پزشکان بسیاری در آنجا حاضر بودند. خون زیادی از محل‌های رگ‌های قطع شده رفته بود تا اینکه فشار خون به نزدیکی صفر رسید و یکی از دکترها، دستکش از دستش درآورد و گفت: دیگر تمام شد... اما مقدر این بود که سید علی حسینی خامنه‌ای بماند و پس از آن با بیشترین رأی اکثریت مردم در تاریخ انتخابات ریاست جمهوری، ۸ سال رئیس‌جمهور دوران دشوار و سخت دفاع مقدس باشند و سپس به عنوان نایب امام عصر، زمام رهبری انقلاب و نظام اسلامی را به کف بگیرند تا طی ۳۷ سال، جامعه اسلامی را از گردنه‌های صعب و باتلاق‌های مهیب و طوفان‌های سخت، عبور دهند. از زمان نخستین دستگیری که علناً آرزوی شهادت کردند یعنی ۱۱ خرداد ۱۳۴۲، نزدیک به ۶۳ سال برای این اشتیاق سوختند و برای اسلام و انقلاب و ایران، تحمل کردند، تا ۹ اسفند ۱۴۰۴ که به این درجه رفیع نائل آمدند..

یادداشت

دکتر محمدجعفر محمدزاده | کارشناس مسائل فرهنگی

مقاومت، یگانه راه پاسداری از تمدن ایرانی

در پهنه تاریخ، همواره رویارویی‌هایی شکل گرفته که فراتر از مرزها بوده‌اند؛ جنگی نه میان دولت‌ها، که میان دو شیوه زیستن و دو نگرش به انسان و جهان.

تمدن کهن ایران ــ سرزمینی که از دوره هخامنشیان تا ساسانیان تنیده در ریشه‌های فرهنگ، آیین و خرد بوده است ــ همچنان در قامت یک جغرافیای معنوی ایستاده است؛ جغرافیایی که از تیسفون و مدائن تا سرزمین‌های جنوب و سواحل مدیترانه، ردّ روشن فرهنگ و ایمان را بر خود دارد و با فرهنگ الهی و اسلامی تقویت و در دوره‌ی پرشکوه اسلامی پایه‌گذار اصلی این تمدن شد.

این پهنه فرهنگی، حامل روح مردمانی است که نخستین خانه‌ها را ساختند و نخستین آبادانیها را آفریدند به رام کردن دد و دام روی آوردند، آبیاری، کشاورزی و کشتیرانی کردند. آنگونه که در اسطوره‌ها، کیومرث نخستین شهریار را آغازگر تشکیل دولت و تمدن دانسته‌اند؛ شهریاری که بن‌مایهی کشورش بر آبادانی و ساختن نهاده بود:

چنین گفت کایین و تخت و کلاه
کیومرث آورد و او بود شاه

در چنین بستری، مفهوم «ایستادگی» تنها یک رفتار سیاسی نیست، بلکه ریشه در تاریخ و جان جمعی یک ملت دارد؛ ملتی که تاکنون دانسته و آگاهانه در مسیر ماندن و بودن قدم گذاشته است.

این فرهنگ تمدنی از هزاران سال پیش، به گواه اسطوره، همیشه بوده و در برابر مهاجمان ایستاده است؛ ایستادگیای که شاعران، آن را در سخت‌ترین تصویرها روایت کرده‌اند. ملک‌الشعرای بهار میگوید:

دو رویه زیر نیش مار خفتن
سه پشته روی شاخ مور رفتن
و تا بدانجا پیش میرود که همه سختیها را به جان میخرد و اندکی زیر بار زور سر خم نمیکند:
برهنه زخم‌های سخت خوردن
پیاده راه‌های دور رفتن
و بالاخره:
به نزد من هزاران بار بهتر
که یک جو زیر بار زور رفتن

این بدان معنی است که در نگاه تمدنی و فرهنگی ما تحمل همه رنجها و سختیها بهتر از آن است که ذره‌ای از کرامت خود بگذریم و یا در برابر ستم بیدادگران سر خم کنیم.

در این نگاه، ایستادگی نه جنگیدن، که پاسداری از چراغی است که هزاران سال روشن مانده؛ چراغی که نامش «تمدن» است.